

آثار طلاق بر فرزندان

باور غالب مردم بر این است که فرزندان طلاق محکوم به شکست در زندگی هستند و اغلب در مواجهه با این کودکان سرنوشت نامعلوم و ناموفقی را برای آنها متصور می‌شوند.



باور غالب مردم بر این است که فرزندان طلاق محکوم به شکست در زندگی هستند و اغلب در مواجهه با این کودکان سرنوشت نامعلوم و ناموفقی را برای آنها متصور می‌شوند. این عقیده نادرست به حدی در فرهنگ ما ریشه تنیده است که خود کودک نیز با چنین باور اشتباهی رشد می‌کند. همین مساله باعث می‌شود دست از تلاش بردارد و به نوعی خود را به دست سرنوشت بسپارد. با وجود آنکه طلاق همچنان یکی از بحران‌های غم‌انگیز در زندگی افراد به شمار می‌رود، پژوهش‌های اخیر این باور را تایید نمی‌کند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه فرهیختگان، والدینی که از یکدیگر جدا می‌شوند نسبت به فرزندان خود وظایف خطیرتری پیدا می‌کنند. مهم‌ترین وظیفه والدین در ضمن جدایی و پس از آن، این است که با ایجاد فضایی آکنده از صلح و همکاری مشترک و پرهیز از دشمنی و انتقام نسبت به یکدیگر نقش خود را برای فرزندان‌شان توأم با تفاهم و احترام ایفا کنند. هنگام جدایی قدرت تمرکز و تعقل افراد به کمترین میزان کارآمدی خود می‌رسد، در این شرایط بهترین راه‌حل برای عبور از بحران و کمتر آسیب دیدن فرزندان این است که از همفکری‌های یک مشاور بهره ببریم و اختیار زندگی خود را به توصیه‌های ریز و درشت اطرافیان نسپاریم، شاید به این ترتیب بتوانیم از این برهه پرتلاطم زندگی با کمترین میزان تلفات به سلامت عبور کنیم.

واکنش فرزندان نسبت به طلاق والدین‌شان با سه عامل مهم در روابط بین پدر و مادر مرتبط است: در درجه اول به رابطه بین والدین قبل از طلاق، دوم به درگیری‌ها و مشکلات بین والدین در ضمن جدایی و سوم به رابطه بین والدین پس از جدایی. هر چقدر پدر و مادر از یکدیگر دوستانه‌تر جدا شوند فرزندان آنها از نظر روانی سالم‌تر بار خواهند آمد. فرزندان پسر و دختر هر دو به میزان یکسانی از طلاق آسیب می‌بینند، ولی واکنش‌های متفاوتی نسبت به این مساله نشان می‌دهند. تجربه نشان داده است که تحمل موضوع طلاق برای پسرها بسیار مشکل است، به همین دلیل اغلب با بروز خشم و دعوا با این مساله برخورد می‌کنند. در حالی که طلاق روی دخترها به نحو دیگری تاثیر می‌گذارد و آنها احتمالاً افرادی گوشه‌گیر و پنهان‌کار و درون‌گرا بار می‌آیند. اگر در این شرایط یکی از والدین، خود را کنار بکشد و کودک توسط یک والد نگهداری شود، مشکلات فراوانی ایجاد خواهد شد. به‌طور مثال ممکن است بدون پدر مشکلات مالی به کودک فشار آورد و بدون مادر کودکان از شکوفایی استعداد و احساسات محروم شوند. در این شرایط همکاری و حمایت مشترک والدین این احساس امنیت را در فرزند به وجود می‌آورد که بدون نگرانی از شرایط به زندگی، درس و وظایف خود به خوبی بپردازد.

واکنش بچه‌ها در پذیرش طلاق

ترس از رها شدن: فرزندان طلاق همواره این حس را خواهند داشت که اگر کسی را دوست بدارند و دوست داشتن خود را ابراز کنند ممکن است او را از دست بدهند، بنابراین احساسات خود را بروز نمی‌دهند. این واکنش بیشتر در کودکان دیده می‌شود. آنها واقعیت را انکار می‌کنند و همیشه در این فکر هستند که همه چیز به‌زودی درست خواهد شد و والدین‌شان به یکدیگر باز می‌گردند.

افسردگی که با تغییرات در اشتها و خواب خود را نشان می‌دهد.

احساس گناه درباره اینکه پدر و مادرشان به خاطر وجود آنها از هم جدا شده‌اند.

در نهایت باید بدانیم کودکان قدرت انعطاف‌پذیری بالایی دارند و می‌توانند به‌طور چشمگیری خود را با محیط جدید سازگار کنند.